

دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۷ اختتامیه، کولسیان ۴

دن دارکو و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۷، اختتامیه کولسیان ۴ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید.

امیدوارم تا اینجا از مطالعه این رساله فوق‌العاده به نام کولسیان با ما لذت برده باشید. تاکنون چند نکته را در کولسیان بررسی کرده‌ایم. مطالب مقدماتی را مرور کرده‌ایم و فصل اول، فصل دوم و فصل سوم را پوشش داده‌ایم.

همانطور که به طور خاص فصل دوم و سوم را دنبال می‌کنید، احتمالاً متوجه شده‌اید که پولس بحث را محدودتر کرده و به مسائل داخلی کلیسا پرداخته است. او چند نکته را برجسته کرده است. او هدف اصلی خود را به روشنی بیان کرده است.

و اگر به یاد دارید که چندین بار با لهجه‌های عجیب این را گفتم، همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اید، پس در او سلوک کنید. او بر این اساس، برخی از عناصر آموزه‌های نادرست را شرح می‌دهد و در ادامه کلیسا را تشویق می‌کند که مطابق ایمان خود عمل کنند. بخش آخر فصل سوم که مورد بحث قرار دادیم، مربوط به روابط خانگی است.

احتمالاً در این فرآیند به یک کلمه خنده‌دار برخوردید: هاوستافل. هاوستافل کلمه آلمانی برای قوانین خانه است، مانند قوانین خانه. محققان از این اصطلاح برای بیان مباحث پولس یا بحث عهد جدید در مورد روابط خانگی استفاده می‌کنند.

پولس این گفتمان درونی را با برجسته کردن نیاز خانواده‌ها به همکاری با یکدیگر، همه زیر چتر خداوندگاری مسیح و در روح مسیح، به پایان می‌رساند تا همبستگی، صمیمیت و نجابت وجود داشته باشد که در واقع با جامعه در مورد ویژگی‌های اصیل مسیحیان صحبت کند. در فصل چهارم، آیه دوم، اکنون شاهد یک تغییر عمده هستیم که در آن پولس قصد دارد با پایان دادن به نامه خود، به بیرون نگاه کند. اینجا جایی است که ما امروز بر آن تمرکز خواهیم کرد و به آخرین نصیحت‌ها و سخنان پایانی پولس خواهیم پرداخت.

شاید اجازه دهید فقط چند مایک به شما بدهم. گاهی اوقات آن را لامپ می‌نامم. گاهی اوقات، آن را چراغ قوه می‌نامم تا بتوانید هنگام شروع بررسی این آزمون، آن را در ذهن خود داشته باشید.

اول، وقتی به آیات ۲ تا ۱۸ نگاه می‌کنیم، ۱۸ آخرین آیه از رساله کولسیان است، به دنبال این سه مورد در آزمون باشید. اول، این واقعیت که پولس مستقیماً درخواست می‌کند که نامه‌اش به کولسیان برای خواندن به کلیسای دیگری داده شود. در واقع، این موضوع در نوشته‌های پولس بسیار غیرمعمول است.

همچنین از شما می‌خواهم که نکات بسیار مهمی را در مورد نحوه نگارش سلام‌های شخصی پولس بیان کنید. شاید تا اینجا، این یکی از کسل‌کننده‌ترین بخش‌های مطالعه‌ی شما از عهد جدید بوده است. امیدوارم امروز اشتیاق جدیدی را در خود شعله‌ور کنید تا واقعاً از این بخش از عهد جدید لذت ببرید.

همانطور که به سلام‌های شخصی توجه می‌کنید، به جزئیاتی که پولس در این نامه آورده نیز توجه کنید، زیرا این جزئیات به دو چیز اشاره دارند. همانطور که به یاد دارید، در ابتدای بحث در مورد کولسیان، به این موضوع پرداختیم که آیا پولس نویسنده کولسیان بوده است یا خیر. همانطور که به جزئیات شخصی که او در فصل چهارم آورده است توجه می‌کنید، ممکن است بخواهید بپرسید، اگر پولس این نامه را نمی‌نوشت، آیا کسی این اطلاعات را منتشر می‌کرد تا کلیسای را که افرادی را دارد که پولس را می‌شناختند یا از خدمت پولس مطلع بودند، متقاعد یا ترغیب کند تا آنها را متقاعد کند که به نوعی پولس این نامه را نوشته است؟ آیا احتمال دارد جزئیاتی که پولس در این بحث مطرح می‌کند، اگر پولس خودش نمی‌نوشت، در واقع به کسی که پشت سر پولس پنهان شده و این نامه را نوشته است، خیانت کند؟ یا به این واقعیت فکر کنید که، و این چیزی است که من معتقدم، این جزئیات بیشتر این واقعیت را تأیید می‌کنند که هیچ کس نمی‌توانسته این نامه را جز پولس بنویسد.

و اگر پولس تمام جزئیات را ننوخته باشد، همانطور که در آیه ۱۸ می‌بینیم، شاید پولس به همراه یکی از دوستانش نوشته باشد، کاری که او در چندین نامه خود، از جمله مثلاً قرنطیان، انجام داده است. همانطور که آن دو مشاهده اولیه را انجام می‌دهید، به مشاهده سوم در آنجا توجه کنید. به نحوه تأکید پولس بر انضباط معنوی توجه کنید.

به این نکته توجه کنید که او چگونه توجه خواننده را به فداکاری در زندگی مسیحی جلب می‌کند. همچنین باید ببینید که پولس چگونه به روابط علاقه دارد. باز هم، اگر به این موضوع توجه کنید یا آن را در ذهن خود داشته باشید، در واقع از آنچه در سلام‌های پولس می‌گذرد، خوشتان خواهد آمد.

یا، می‌خواهم شما را تشویق کنم که شروع به دوست داشتن آنها کنید. بنابراین، بیایید به بخش اول این متن نگاه بیندازیم. آیه ۲ از فصل ۴ می‌گوید، در دعا ثابت قدم باشید و با شکرگزاری هوشیار باشید.

این آیه ساده، همانطور که اغلب دیده می‌شود، همان چیزی است که من آن را تردید برای دعا و انضباط نامیده‌ام. پولس در واقع از این کلمه برای ادامه دادن در دعا استفاده نمی‌کند. این کلمه می‌تواند به معنای وقف کردن خود به دعا ترجمه شود.

به همین دلیل است که در ترجمه انگلیسی شما، ممکن است متوجه شوید که محققان مختلف این عبارت را به طور متفاوتی ترجمه می‌کنند. ایده این است که پولس در واقع این واقعیت را اثبات می‌کند که قرار نیست این یک رویداد یک‌باره باشد، بلکه قرار است چیزی باشد که باید ادامه یابد. حال، توجه داشته باشید که این یک عامل ارتباط بین بحث درونی و کاری است که او قرار است انجام دهد، زیرا تمرکز او در این زمان به بیرون است.

چند آیه آخر پولس یا بخش‌های اولیه نوشته‌های پولس می‌شنوید؟ پولس به دعا علاقه‌مند است،

در واقع، او در همان فصل اول، رساله به کولسیان را با شکرگزاری و دعا آغاز کرد. او با دعا به پایان می‌رساند. حال، می‌خواهم شما را تشویق کنم که به شخصیت‌هایی مانند عیسی مسیح نیز توجه دقیقی داشته باشید.

همچنین متوجه خواهید شد که دعا چگونه بخشی از این رهبران اولیه مسیحی بوده است. در مورد عیسی به طور خاص به عنوان پروردگار ما، استاد ما، ناجی ما و الگوی ما، او با دعا شروع کرد. آیا روزه گرفتن و دعا کردن او و وسوسه شدنش را به یاد دارید؟ آیا آن واقعه را به یاد دارید؟ آیا همچنین در روایات انجیل در پایان زندگی او به یاد دارید که دعا کرد، پدر، در دستانتو، روح خود را می‌سپارم.

در بین انجیل‌ها، اگر حتی در زندگی عیسی توجه کنید، چند بار او می‌ایستاد و دعا می‌کرد یا چند بار به شاگردانش دعا، درباره دعا، و گاهی اوقات چگونه شاگردانش را صدا می‌زد و می‌گفت، خوب، وقت آن است که از یک مکان به مکان دیگر خلوت کنید. و حتی در طول زمان، او واقعاً بیرون می‌رفت و تنها بود. به طور خاص در مورد عیسی قبل از اینکه به پولس برگردیم، متوجه خواهید شد که در سخت‌ترین زمان‌ها، او برای دعا می‌رود، مانند باغ جتسیمانی.

دعا، به نظر من، یکی از کم‌اهمیت‌ترین موضوعاتی است که در بحث مربوط به پولس مورد توجه قرار گرفته است. پولس توجه کولسیان را به این جلب می‌کند که خود را پیوسته وقف دعا کنند. آنها باید این کار را با نگرش درست انجام دهند.

دعا باید با هوشیاری همراه باشد. او می‌گوید، هوشیار باشید. در نوشته‌های پولس، عبارت هوشیار یا گوش به زنگ بودن معمولاً به معنای هوشیار بودن به دلیل زمان آخر یا فصل آخرالزمان است.

در اینجا، به نظر می‌رسد که او این نکته را باز گذاشته تا نشان دهد که شما می‌خواهید مراقب باشید می‌خواهید هوشیار باشید زیرا در وهله اول، معلمان دروغین در کلیسا وجود دارند، احتمال نفوذ آموزه‌های نادرست وجود دارد، و مؤمنان اولیه که مستعد یا بالقوه مستعد تأثیر آموزه‌های نادرست و انواع چیزهایی هستند که شایسته خداوند نیستند، باید مراقب باشند، باید هوشیار باشند، باید در زمانی که خدا را می‌خوانند و از او قدرت و لطف می‌خواهند تا زندگی‌شان را هدایت کند، با روحیه دعا مراقب باشند. دومین نگرش فراتر از هوشیاری، قدردانی است.

وای. بگذارید این ویژگی پولس را به شما یادآوری کنم، و فقط در کولسیان به شما نشان خواهم داد که چگونه پولس از شکرگزاری برای تأکید بر یک ویژگی مهم که مسیحیان باید داشته باشند، استفاده می‌کند اما قبل از اینکه به شکرگزاری پردازیم، اجازه دهید شما را به فصل اول کولسیان ببرم تا خاطره‌تان را در مورد اینکه پولس چگونه پایان خود را با تأکید بر دعا آغاز کرد، تازه کنم.

ببینید که او در آیه سوم از فصل اول چگونه شروع کرد. ما خدا را شکر می‌کنیم، و همیشه خدا، پدر خداوند ما عیسی مسیح را شکر می‌کنیم، وقتی که برای شما دعا می‌کنیم، از زمانی که ایمان شما را شنیدیم به خاطر امیدی که برای شما در آسمان ذخیره شده است. شما از قبل کلام حقیقت انجیل را شنیده‌اید.

به آیه سوم توجه کنید: ما همیشه خدا، پدر خداوندمان عیسی مسیح را شکر می‌کنیم و او به دعا ادامه خواهد داد. و سپس در دعای او، اگر بحث در مورد آن را به خاطر دارید، توجه شما را به دعای پولس از آیه ۱۰ یا ۱۱ جلب کردم، جایی که می‌گوید: «باشد که شما با تمام قدرت، به حسب قدرت جلال او، برای تحمل و صبر با شادی تقویت شوید، و پدری را شکر کنید که شما را شایسته کرده است تا در میراث مقدسین در نور سهیم باشید. او ما را از قلمرو تاریکی رهایی داده و به پادشاهی پسر محبوبش منتقل کرده است.»

پولس، در همان فصل اول، دعا و شکرگزاری ما را مطرح می‌کند و آنها را با هم ملاقات می‌کند. او در اینجا می‌گوید، دعا کنید، دائماً دعا کنید. می‌دانید، ما قبلاً یک آزمون کتاب مقدس داشتیم. گاهی اوقات، ما این آزمون‌های کتاب مقدس را داریم و کتاب مقدس رایگان و گاهی اوقات برخی از چیزهای خوب را برای خواندن آیات حفظی که می‌دانیم، دریافت می‌کنیم.

نمی‌دانم آیا شما هم چنین تجربه‌ای داشته‌اید یا نه، اما احتمالاً با کسی برخورد کرده‌اید که واقعاً از شما پرسیده باشد، کوتاه‌ترین آیه کتاب مقدس چیست؟ ما این جمله را دوست داریم. و شاید یادآوری این نکته

برایتان جالب باشد که در واقع، کوتاه‌ترین آیه کتاب مقدس، آیه‌ای است که می‌گوید بی‌وقفه دعا کنید همیشه دعا کنید، اول تسالونیکیان ۵: ۱۷.

لحن دعای پولس این است که آنها با همان روحیه دعا ادامه دهند. این یک اتفاق یکباره نیست. بگذارید دعا بخشی از زندگی آنها باشد.

یا برخی دیگر از ترجمه‌ها نگاه می‌کنید، در واقع کلمه‌ای را که در ESV به همین دلیل است که وقتی به نسخه یونانی نیست ارائه می‌دهند و در دعا ادامه می‌دهند. و البته، روح، سپاسگزاری است. و اگر پولس و حس سپاسگزاری را فراموش کرده‌اید، بگذارید از فصل اول به شما یادآوری کنم: باشد که با تمام قدرت، مطابق قدرت باشکوه او، برای تمام استقامت و صبر با شادی، تقویت شوید.

آیه ۱۲، شکرگزاری از پدر. به عبارت دیگر، آنها باید درک کنند که زندگی آنها باید الگو باشد و با این حس قدردانی از پدری که آنها را واجد شرایط کرده است تا در میراث مقدسین در نور سهیم باشند، زندگی کنند اوست که ما را از قلمرو تاریکی رهایی بخشیده و به پادشاهی پسر محبوبش منتقل کرده است که در او رستگاری، بخشش گناهان، را داریم.

این شایسته‌ی شکرگزاری و سپاسگزاری است. اجازه دهید بخش دیگری را که در این بحث در مورد کولسیان به سرعت از آن عبور می‌کنیم، به شما یادآوری کنم، جایی که پولس نیز بر شکرگزاری تأکید می‌کند. در آیات شش و هفت، اگر در آن سخنرانی به یاد داشته باشید، من آن را قلب موضوع می‌نامم.

آن مشکل قلبی خاص با ریشه گرفتن و بنا شدن در او و استوار شدن در ایمان، همانطور که به شما آموخته شده است، پایان می‌یابد، سرشار از شکرگزاری بودن، سرشار از شکرگزاری بودن، همانطور که ریشه‌های خود را در مسیح عیسی محکم می‌کنید. در فصل سوم، احتمالاً به یاد دارید که دوباره در مورد شکرگزاری صحبت کردیم. پولس در آیه ۱۵ می‌نویسد: بگذارید آرامش مسیح در دل‌های شما حاکم باشد، آرامشی که در واقع در یک بدن به آن فراخوانده شده‌اید.

و سپس، در پایان آیه ۱۵، او دوباره این شکرگزاری یا سپاسگزاری را مطرح می‌کند و می‌گوید: «سپاسگزار باشید.» و سپس با آیه ۱۶ و سپس آیه ۱۷ ادامه می‌دهد و می‌گوید: «هر آنچه را که در گفتار یا کردار انجام می‌دهید، به نام خداوند عیسی انجام دهید و از طریق او خدای پدر را شکر کنید.» بیابید به کولسیان ۲: ۴، متن خودمان، برگردیم.

بنابراین، وقتی پولس این بخش، آخرین بخش بحث خود در کولسیان، را با این آیه آغاز می‌کند، در دعا ثابت قدم باشید و با شکرگزاری در آن هوشیار باشید. می‌دانید که این یک رهبر مسیحی است که کلیسا را به داشتن روحیه سپاسگزاری تشویق می‌کند. چند نفر از شما دوست دارید با افراد بی‌ادب معاشرت کنید؟ این اصطلاحی است که ما در انگلستان استفاده می‌کردیم. در آمریکا، من یاد گرفته‌ام که گاهی اوقات از اصطلاح افراد بدخلق استفاده می‌کنیم.

می‌دانید، گاهی اوقات، در زیر برخی بدخلقی‌ها، حس ناسپاسی و حق به جانب بودن وجود دارد. وقتی مردم فکر می‌کنند که حق دارند هر آنچه برایشان پیش می‌آید، و هر کسی که ملاقات می‌کنند، و هر کاری که خدا با آنها می‌کند را داشته باشند، احساس می‌کنند که خدا با نجات آنها کار خود را انجام می‌دهد. خدا فقط با بخشیدن آنها و برداشتن بدهی و گناه و شرعی که قرار است سهم آنها باشد، کار خود را انجام می‌دهد.

و بنابراین آنها هیچ حس قدردانی ندارند. پولس در کولسیان می‌گوید که برای یک زندگی مسیحی، این نگرشی است که باید بخشی از نحوه زندگی باشد. این نگرشی است که باید هنگام دعا در حضور خدا داشته باشیم.

این نگرشی است که باید بخشی از نحوه زندگی و تعامل ما با مردم باشد، حس قدردانی. من شخصاً در زندگی آموخته‌ام که من لیاقت خوبی‌هایی که مردم در حق من می‌کنند را ندارم. آنها از حق و اراده خود برای خوبی کردن به من استفاده می‌کنند.

کمترین کاری که می‌توانم انجام دهم این است که مکث کنم و تشکر کنم و حس قدردانی خود را نشان دهم و هر چه بیشتر این کار را انجام دهم، بیشتر متوجه می‌شوم که با خودم و با مردم در صلح هستم، زیرا می‌توانم تمام زحماتی را که برای کمک به من می‌کشند، ببینم. عدم قدردانی یا ناسپاسی یکی از بذرهای اختلاف است و انواع افکار را به جامعه دعوت می‌کند تا باعث ایجاد مشکل شوند.

در کلیسای که پولس به تازگی به تأثیر بالقوه آموزه‌های نادرست اشاره کرده بود، مهم است که آنها ضمن ادامه دعا، هوشیار باشند و این کار را با روحیه سپاسگزاری نیز انجام دهند. این امر پولس را به درخواست‌های خاص دعا می‌رساند. اگر آنها به دعا ادامه دهند و با نگرش درست به دعا ادامه دهند، پس او به حمایت دعایی آنها نیاز دارد.

در واقع، او به حمایت دعایی آنها نیاز دارد تا درها برای انجیل به روی او باز شود. من از آیه ۳ خواندم. در عین حال، برای ما نیز دعا کنید که خدا دری برای کلام به روی ما بگشاید تا راز مسیح را که به خاطر آن در زندان هستم، اعلام کنم تا بتوانم روشن کنم که چگونه باید صحبت کنم. پولس به طور خاص از حمایت دعا درخواست می‌کند تا درها برای انجیل باز شود.

میشه به لحظه مکث کنید و در مورد این فکر کنید؟ این مردیه که به خاطر انجیل تو زندانه. این مردیه که پشت درهای بسته‌ست، به اصطلاح، به خاطر انجیل. اون برای کسانی که فرصت ارتباط باهاشون رو داشته، دعا می‌کنه.

اولین مورد دعا چه بود؟ دعا کنید که من سریع از اینجا بروم، همین الان یا فردا. یا دعا کنید که تمام انجیل من بمیرد تا من یواشکی بیرون بروم. یا دعا کنید که قاضی مسئول پرونده من بمیرد و پرونده‌ها را از دست بدهد و به دلایلی، پرونده را از قلم بیندازد و من آزاد شوم و بتوانم انجیل را موعظه کنم.

نه، نه. پولس هنوز نگران موعظه انجیل بود. درهای زندان مانع او نشده بودند، و اگر اولین دعایی را که باید می‌فرستاد، برای این بود که درها به روی آنها باز شود تا انجیل را اعلام کنند.

او در ادامه حتی درخواست بیشتری می‌کند، اینکه آنها واقعاً دعا کنند که خدا به آنها توانایی اعلام راز مسیح را بدهد، زیرا همین راز مسیح است که مسئول فرستادن او به زندان است. پیام انجیل، همانطور که در افسسیان خواهیم دید، این است که خدا رویداد جدیدی را در تاریخ بشر آغاز کرده است، رویدادی فراتر از نجات یا یک جامعه پیمانی یهودیان. اینکه در مسیح عیسی، خدا یهودیان و غیریهودیان را گرد هم می‌آورد و آنها را در جامعه خدا، در خانه خدا متحد می‌کند، همانطور که افسسیان ۲:۱۹ آن را بیان می‌کند.

پولس می‌گوید، دعا کنید که بتوانیم این را اعلام کنیم. پس دعا کنید که درهای باز آنجا باشند، و وقتی درهای باز آنجا هستند، دعا کنید که دهانمان را بسته نگه نداریم. فقط تصورش را بکنید.

فقط تصور کنید که نگهبانان زندان دور و برتان هستند. فقط تصور کنید که در زندان هستید، حتی اگر حصر خانگی باشد. فقط محدودیت‌هایی را که یک نفر دارد تصور کنید.

و اگر درخواست دعا دارید که مطرح کنید، آیا این دو مورد اول هستند؟ برای پولس، او همان چیزی است که برای انجام آن فراخوانده شده است. این اشتیاق اوست و هیچ چیز او را از انجام مأموریت مسیح باز نخواهد داشت. او برای این منظور به حمایت دعا نیاز دارد.

مگر اینکه شروع به صحبت جسورانه و زمزمه کردن کند، از آنها می‌خواهد که دعا کنند تا بتواند با وضوح صحبت کند. وای. او ممکن است چیزی را از دست ندهد، و با چنان وضوحی صحبت خواهد کرد که هیچ ابهامی باقی نخواهد ماند.

خب، شاید باید از خودمان پرسیم، همانطور که من دوست دارم از خودم پرسم، دعا چقدر در زندگی من در اولویت بالایی قرار می‌گیرد؟ و اگر پولس دعا را نه تنها به عنوان یک سبک زندگی برای کولسیان‌ها برای پذیرش یا توسعه می‌بیند، بلکه نیاز خود را به دعا در این زمینه درک می‌کند، چقدر به دعا نیاز دارم؟ و چقدر به لطف و قدرت خدا نیاز دارم تا زندگی کنم و با انواع آموزه‌ها، انواع فریب‌های اطرافم، حتی در قرن بیست و یکم، آلوده نشوم؟ پولس پس از درخواست این دعا، به بیان آنچه من آن را نصیحت‌های پایانی می‌نامم، می‌پردازد. بیایید به برخی از کلمات کلیدی که او در اینجا مطرح می‌کند، توجه کنیم.

در نصیحت‌های پایانی خود از آیه ۵، او با حکمت به سوی بیگانگان می‌رود. به حکمت توجه کنید. برخی از مترجمان آن را اینگونه ترجمه کرده‌اند؛ حکیم باشید.

در نحوه برخوردتان با دیگران خردمند باشید. کلمه‌ای که قبلاً در این سخنرانی توضیح دادم، یعنی کلمه راه رفتن در اینجا، به معنای رفتار کردن با خودتان است، نه به معنای واقعی کلمه راه رفتن. خردمند باشید.

خردمند بودن در فهم یونان باستان فقط یک فعالیت فکری نیست. خردمند بودن به معنای توانایی در انتخاب‌های خردمندانه در زندگی است. و بنابراین، فرد خردمند نه تنها از نظر فکری خردمند است، بلکه خرد را در نحوه رفتار خود نیز به کار می‌گیرد.

حکمت در نحوه تعامل و برخورد مردم با یکدیگر، در تصمیماتی که در زندگی خصوصی یا عمومی می‌گیرند خود را نشان می‌دهد. در اینجا پولس به طور خاص می‌گوید، در نحوه رفتار خود، در انتخاب‌هایی که در مورد نحوه زندگی خود می‌گیرید، حکیم باشید. من اخیراً اتفاقی را با یک زوج دیدم.

یک خانم جوان در حال آماده شدن برای عروسی‌اش بود و چندین خالکوبی روی سینه‌اش داشت. وقتی والدینش در حال انتخاب لباس عروس بودند، مشخص شد که مادرش از خالکوبی بسیار خجالت می‌کشد. بنابراین، مادر سعی می‌کرد هر کاری بکند تا لباس عروسی برایشان تهیه کند که خالکوبی را بپوشاند.

من حتی یک لحظه هم نمی‌گویم که مخالف خالکوبی هستم. اما فقط می‌گویم که این تصمیمی است که این دختر گرفته است. تصمیمی است در مورد اینکه چگونه برخی از انتخاب‌های زندگی‌اش را انجام خواهد داد.

جالب بود که ببینیم چطور یکی از انتخاب‌های خاص او در زندگی‌اش، در یکی از مهم‌ترین رویدادهای زندگی‌اش، باعث ایجاد سردرگمی و خصومت بین او و مادرش شده بود. من نمی‌گویم که داشتن خالکوبی گناه است. این موضوع در کولسیان مطرح نیست.

اما من فقط به این واقعیت اشاره می‌کنم که پولس از مسیحیان خواست که خردمند باشند. حالاً نه در نحوه رفتارشان در کلیسا، بلکه در نحوه رفتارشان با بیگانگان. مهم این است که بیگانگان، مسیح را در نحوه زندگی مسیحیان ببینند.

پولس ، با نگاه به بیرون، بسیار نگران است که جهان ما را به عنوان نمونه نبیند . حال، در این مورد اشتباه نکنید . پولس پیشنهاد نمی‌کند که مسیحیان سازش کنند

نه، اگر چیزی باشد، او در واقع پیشنهاد می‌کند که مسیحیان استانداردهای اخلاقی بالایی را برای بقیه جهان تعیین کنند تا از آنها پیروی کنند . در نحوه رفتار خود عاقلانه رفتار کنید . نحوه رفتار شما نه تنها برای شما و برای جامعه ایمانداران خوب است، بلکه برای نحوه نگاه افراد خارجی به ما نیز خوب است

او ادامه می‌دهد و یک نصیحت مهم دیگر می‌کند . و این در مورد استفاده از زمان است . در آفریقا، چیزی به نام زمان آفریقایی وجود دارد

ببخشید که اینجا از کلمات یا زبانم استفاده می‌کنم . دیوانه‌ام می‌کند . ساعت آفریقا یک ساعت از ساعت واقعی سوئیس عقب‌تر است

بنابراین، ما می‌گوییم بیاید ساعت چهار همدیگر را ببینیم . و بقیه‌ی مردم اینجا ساعت پنج می‌آیند . پولس به مسیحیان می‌گوید که از هر زمان و هر فرصتی استفاده کنند

در واقع، متن یونانی به این شکل خوانده می‌شود . این یک اصطلاح تجاری است که اینجا استفاده می‌شود . یعنی وقت را بخر (Buy out, buy out the time)

وقت را غصب نکن . نگذار زمان، فرصت، کلمه یونانی که اینجا استفاده شده، کلمه‌ای شبیه به زمان نیست . این کلمه‌ای است که اغلب برای برخی فرصت‌های خاص که ممکن است پیش بیایند، استفاده می‌شود

و او می‌گوید، وقت را غنیمت بشمار، از تمام وقت به خوبی استفاده کن . و با زمان بازی نکن . ضمناً، آیا این را می‌دانی؟ اگر خدا ما را در مقابل خود قرار دهد تا در مورد نحوه زندگی‌مان پاسخگو باشیم، ممکن است فقط یک سوال از ما پرسد

و آن یک سوال ممکن است مربوط به مدیریت زمان باشد . زندگی خود را روی زمین چگونه گذرانیدید؟ و اگر ۲۴ ساله هستید، ممکن است اینگونه شروع شود . می‌دانی، خدایا، من دوست دارم هشت ساعت در روز ۲۴ بخوابم

خب، من ۲۴ سالمه، پس در واقع هشت سال از عمرم رو خوابیدم . و خدا میگه، بله، پس ادامه بدیم . و شما می‌گید، خب، برای یه بخشی از زندگیم، سر کار می‌رفتم، و برای یه بخشی از زندگیم، کارهای دیگه‌ای برای پدر و مادرم انجام می‌دادم

خب، وقتی کار برای پدر و مادرم و کار برای محل کارم را کنار هم گذاشتم، شاید از ۱۶ سال باقی‌مانده شاید، شاید شش سال از عمرم را صرف کار کردن کردم . اوه، این خیلی چشمگیر است . خب حالا بیاید در مورد ۱۰ سال صحبت کنیم

خدای من، شاید، شاید پنج تا از آن زمان‌ها را صرف بازی‌های کامپیوتری و تماشای تلویزیون کرده‌ام . چی؟ می‌توانم تصور کنم که خدا چه کار کرده؟ پنج سال از عمرت؟ این حتماً اغراق‌آمیز است . و واضح است که اغراق‌آمیز هم بوده است

اما به این فکر کنید. پولس در نصیحت پایانی خود به مؤمنان، از آنها می‌خواهد که از هر زمانی که در اختیار دارند، نهایت استفاده را ببرند. آنها نمی‌توانند در مورد چیزهای خاص اشتباه کنند، آنها به خردی نیاز دارند که برای زندگی و رفتار خوب خود به آن نیاز دارند و باید از زمان به خوبی استفاده کنند.

سپس او به یک حوزه بسیار مهم اشاره می‌کند: گفتار، نحوه صحبت کردن، گفتگوی آنها؛ گفتگوی شما همیشه پر از فیض باشد. گفتگوی شما و نحوه صحبت شما با مردم باید با چاشنی نمک، پر از فیض باشد. گاهی اوقات آرزو می‌کنم که این داستان واقعی باشد، هر زمان که مسیحیان دور هم جمع می‌شوند.

اما می‌بینید، پولس در نصیحت پایانی خود به کولسیان، نکته‌ای تأثیرگذار دارد که شاید برای امروز ما هم صدق کند. مهم است که مسیحیان در نحوه زندگی خود حکمت را به کار گیرند. و مهم است که ما زمان را جدی بگیریم.

ضمناً، چیزی به نام زمان آفریقایی یا زمان پورتوریکویی وجود ندارد. چیزی به نام زمان وجود دارد. ساعت پنج، ساعت پنج است.

و خدا از قومش انتظار دارد که بدانند کسی که به ما زندگی بخشیده، منابعی را که برای استفاده مفید از زمانی که به ما داده است، نیاز داریم، در اختیارمان قرار داده است. و همانطور که این سه حوزه را مشاهده می‌کنیم، پولس می‌گوید که این هدف یا دستاورد نهایی خواهد بود. شما ممکن است بتوانید بدانید که چگونه به افرادی که به شما نزدیک می‌شوند و از شما سؤال می‌پرسند، پاسخ دهید.

همه اینجا زبان مشترک دارند، از جمله افراد خارجی یا داخلی، زیرا شما به اندازه کافی آماده هستید. تصور کنید که در کولوستوم زندگی می‌کنید. پولس در مورد همه این مسائل در داخل کلیسا صحبت کرده است.

او اکنون در آستانه‌ی نتیجه‌گیری از سخنانش است. و سپس شما را به دعا مداوم فرا می‌خواند. و شما را به اتخاذ نگرش یا حالت صحیح برای هوشیار و سرشار از سپاسگزاری دعوت می‌کند.

و همانطور که فکر می‌کردی همه چیز مربوط به توست، او گفت، نه. او گفت، برای من دعا کن. برای من و تیمم دعا کن تا بتوانیم کاری را که خدا از ما می‌خواهد انجام دهیم.

ما به دعاهای شما نیاز داریم. و بعد شما شروع به فکر کردن کردید، شاید، شاید دیگر تمام شده باشد. ما آمین خواهیم گفت.

او گفت نه. قبل از اینکه آمین بگویم، باید به مسائل اصلی که نمی‌توانید فراموش کنید بپردازیم. اگر هر چیزی را که تاکنون به شما آموخته‌ام فراموش کنید، نمی‌توانید این را فراموش کنید.

عاقل باش. از وقت به خوبی استفاده کن. با متانت و ادب، به طور مناسب صحبت کن.

و بگذارید سخنانتان با نمک مزه‌دار شود. این عبارت را در انجیل متی می‌یابیم، جایی که عیسی درباره نمک زمین بودن و کسی بودن که شیرینی طعم را به آنچه بی‌مزه یا تلخ است، می‌آورد، صحبت می‌کند.

در بحث عیسی، فکر می‌کنم در لوقا، می‌بینیم که اگر نمک، شوری خود را از دست بدهد، چقدر مفید خواهد بود. به عبارت دیگر، داشتن زبانی یا بیانی که باعث تهذیب، برکت، نصیحت و تشویق شود. با انجام این کار، کسانی که در مورد هر موضوع دیگری به شما مراجعه می‌کنند، ممکن است راضی آنجا را ترک کنند، زیرا شما می‌توانید به خوبی به سوالات آنها پاسخ دهید.

اکنون پولس سخنان خود را به پایان می‌رساند تا به کلیسا برخی از افراد کلیدی را که باید درباره آنها بدانند و برخی از افراد کلیدی که اگر چیزی درباره آنها بدانند، هم برای او و هم برای آنها مفید خواهد بود، یادآوری کند. در آن بحث، آیات ۷ تا ۱۸ را به این پنج بخش تقسیم کردم. یکی از آنها نظرات پولس در مورد شخصی است که قرار است نامه را به کولسیه برساند و دیگری شخصی است که همراه پولس است.

وقتی به نامه‌ی دیگری در رسالات زندان برسیم، درباره‌اش خواهیم شنید. و سپس سلام‌های پولس را خواهیم دید. و سپس درخواست پولس را خواهیم دید که این نامه را پخش کنند یا حداقل آن را به لائودیکه، در ۱۲ مایلی کولسی، بفرستند.

سپس، تردید کوتاه او را در مورد یکی از همکارانش و امضای نهایی‌اش خواهیم دید. بنابراین، بیایید با نگاهی به یادداشتی که او در مورد حامل نامه بودن آن مرد ارسال می‌کند، شروع کنیم. تیخیکوس، که گاهی اوقات نام او تیخیکوس تلفظ می‌شود، تمام اخبار مربوط به من را به شما خواهد گفت.

او برادری عزیز، خادمی وفادار و همخدمتی در خداوند است. من او را به این منظور می‌فرستم که شما از اوضاع ما آگاه شوید و دل شما را شاد کند. او به همراه اونیسیموس، برادر وفادار و عزیز ما که از خود شماست، می‌آید.

آنها هر آنچه را که اینجا اتفاق می‌افتد به شما خواهند گفت. به عبارت دیگر، پولس می‌گوید اونیسیموس و تیخیکوس درباره شرایط ما در زندان به شما خواهند گفت. و من آنها را با مأموریت خاصی برای برقراری ارتباط می‌فرستم تا چیزهای خاصی را به شما منتقل کنند.

اگر می‌خواهید آن ارتباط را از نزدیک بررسی کنید، می‌توانید به این روش این کار را انجام دهید: به نحوه توصیف او در آیه ۷ نگاه خواهید کرد. آنها تمام اخبار مربوط به من را به شما خواهند گفت. در آیه ۹، آنها هر آنچه را که اینجا اتفاق می‌افتد به شما خواهند گفت.

سپس، او توضیح می‌دهد که چرا این موضوع مهم است. همانطور که در ادامه می‌گوید، من او، تیخیکوس، را به این هدف خاص نزد شما می‌فرستم که از شرایط ما مطلع شوید و او قلب شما را تشویق کند. این مرد، تیخیکوس، توجه زیادی را به خود جلب می‌کند.

بنابراین، بیایید به برخی از ویژگی‌هایی که پولس در مورد او مطرح کرد نگاهی بیندازیم. اگر او کسی است که با پولس است و قرار است پیامی از پولس را به مردم برساند، در واقع، پولس سعی دارد بگوید، من می‌خواهم شما به این مرد اعتماد کنید. و می‌خواهم بدانید که این مرد خیلی به من نزدیک است.

و در اینجا، می‌خواهم به این رابطه توجه کنید. پولس می‌گوید که این نامه را به کسی نمی‌دهد، فقط به هر کسی که برای رساندن آن به کولسی می‌رود. این نامه مهمی است که او از طریق شخصی که می‌داند قابل اعتماد و درستکار است، ارسال می‌کند.

بیایید به چند ویژگی که پولس در مورد این مرد ذکر می‌کند نگاهی بیندازیم. او گفت که او یک برادر عزیز است. او یک برادر محبوب است.

او یکی از اعضای جامعه ایمانی است. او برادری در خانواده خداست. او یکی از ماست.

او در ادامه می‌گوید که معتبر است. او یک خادم وفادار است. این عبارت، یعنی «مؤمن»، در واقع می‌تواند حس کسی را القا کند که در ایمان خود ریشه دارد یا کسی که معتبر یا اصیل است.

بنابراین، می‌توانید روی او حساب کنید. این ارزیابی من از تیخیکوس است. او شخصی است که می‌توانید روی او حساب کنید و به او اعتماد کنید.

او در ادامه می‌گوید که می‌خواهید بدانید که او یک غلام، دولوس، خدمتگزار در خداوند است. ما با هم خدمت می‌کنیم. او کسی است که در مأموریت ما سهیم است و عملاً با ما خدمت کرده است.

پاول در ادامه می‌گوید: می‌خواهم بدانید که این فردی است که من به او اعتماد دارم. من او را برای شما فرستاده‌ام. اما اگر کنجکاو هستید که پاول چند وقت یکبار با این شخص کار می‌کند، بگذارید یادآوری کنم. که نام این شخص چند بار در نوشته‌های پاول آمده است.

بگذارید چیزی را به شما نشان دهم که با آزمون کولسی در افسسیان ۲۱:۶-۲۲ موازی است. پولس می‌نویسد، برای اینکه شما نیز بدانید من چگونه‌ام و چه می‌کنم، تیخیکوس، برادر عزیز و خادم وفادار در خداوند، همه چیز را به شما خواهد گفت. من او را دقیقاً به همین منظور نزد شما فرستاده‌ام تا از حال ما آگاه شوید و او دل‌های شما را دلگرم کند. بنابراین، آنچه در اینجا می‌بینید همان متن موازی است.

کلمات زیادی وجود دارد که بین آنچه در کولسیان و افسسیان می‌گذرد، همپوشانی دارند. در اینجا از تیخیکوس نام برده شده است. به همین دلیل است که بعداً در این سخنرانی متوجه خواهید شد که می‌خواهم به شما بگویم که فکر می‌کنم پولس کولسیان را نوشت، و در واقع، پولس احتمالاً کولسیان و افسسیان و فیلیمون را نوشت و احتمالاً همه چیز را برای حفظ تیخیکوس و تیخیکوس فدا کرد. چه کسی می‌داند، افسس، تنها ۱۲۰ مایل دورتر، این نامه‌ها را تحویل می‌دهد.

این نوع همپوشانی و اینکه یک نفر پیام را منتقل می‌کند، کاملاً تصادفی است و اگر این فریب باشد، فریبی است که حتی احمق‌ترین افراد هم باید آن را تشخیص دهند. به همین دلیل فکر می‌کنم این استدلال که پولس این نامه را نوشته، دور از حقیقت است. بگذارید مورد دیگری را به شما یادآوری کنم که نام این شخص در آن آمده است: تیخیکوس، تیطوس ۱۲:۳. در اینجا در رساله‌های شبانی می‌یابیم: وقتی آرتیمیس یا تیخیکوس را نزد شما می‌فرستم، تمام تلاش خود را بکنید تا به نیکوپولیس نزد من بیایید، زیرا تصمیم گرفته‌ام زمستان را در آنجا بگذرانم.

این یک دستورالعمل برای تیطوس است. تیخیکوس کسی است که پولس دوست دارد او را بفرستد. آیا متوجه این موضوع شده‌اید؟ او عاشق این مرد است.

به نوعی، او می‌تواند روی او حساب کند. بگذارید نکته‌ای را هم برایتان بگویم. ببینید وقتی با یکی دیگر از همراهان قدیمی‌اش در مورد این مرد، تیخیکوس، صحبت می‌کند، درباره افسس چه می‌گوید.

او در دوم تیموتائوس ۱۲:۴ می‌نویسد، تیخیکوس را به افسس فرستاده‌ام. اگر شما هم مثل من باشید، گاهی مکث می‌کنید و می‌پرسید، چه زمانی نام تیخیکوس را در کتاب مقدس بدون کلمه فرستاده شده یا فرستادن می‌بینیم؟ خب، باید بدانید که یک شخص مهم، کسی را که قابل اعتماد نیست برای انجام امور از طرف خود نمی‌فرستد. به همین دلیل است که من در تمام این موارد به شما نشان دادم که چگونه پولس از این مرد تیخیکوس، یکی از همراهان نزدیکش، استفاده می‌کند.

موضوع فقط این نیست که او از نظر جسمی سالم است و می‌تواند سفر کند، بلکه او دارای ویژگی‌های یک برادر، خادم وفادار و همخدمت خداوند عیسی مسیح است که می‌تواند از طرف او بفرستد. او در کولسیان از شخص دیگری به نام اونیسیموس نام می‌برد. همانطور که به اشاره به اونیسیموس نگاه می‌کنید، ویژگی‌هایی را که پولس در مورد اونیسیموس بیان می‌کند، خواهید دید.

اونیسیموس یکی از آن شخصیت‌هایی است که ما با او آشنا خواهیم شد. او به طور خاص در آیه ۹ ذکر شده است، و به همراه او، تیخیکوس، اونیسیموس نیز ذکر شده است. اونیسیموس برادر وفادار و محبوب ما است که یکی از شماس است.

آنها از هر آنچه که اینجا اتفاق افتاده است برای شما تعریف خواهند کرد. اونیسیموس برده‌ای است که درباره او در مورد فیلیمون نوشته شده است. و وقتی به فیلیمون رسیدیم، درباره این رابطه بیشتر برای شما تعریف خواهیم کرد.

اما نکته این است که پولس حتی اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد اونیسیموس از این کلیسا آمده است و آنها او را می‌شناسند. آنها او را در جامعه می‌شناخته‌اند و پولس تیخیکوس را نیز همراه خود می‌فرستد. اما به نکته‌ای در مورد پولس توجه کنید و امیدوارم از آن چیزی بیاموزید.

پولس از آن دسته افرادی است که دوست دارد شما از کیفیت واقعی افرادی که با او خدمت کرده‌اند، آگاه باشید. او این کار را در مورد تیخیکوس انجام داد، و در اینجا می‌بینید که از اونیسیموس نام می‌برد. او می‌خواهد شما این را بدانید، نه به عنوان یک تملق، بلکه به عنوان یک نکته‌ی تحسین‌آمیز و صادقانه.

و لطفاً، لطفاً، لطفاً، اگر رهبری هستید که این دوره را دنبال می‌کنید، آیا می‌توانید چیزی در مورد پولس یاد بگیرید تا افرادی را که با شما کار می‌کنند، تحسین کنید؟ تا به آنها اطلاع دهید، زیرا اینها افرادی هستند که حامل پیام شما هستند، تا به آنها بگویید که چگونه آنها را درک می‌کنید و چه ویژگی‌هایی دارند. پولس حرف‌های خوبی در مورد دوستانش دارد. فقط تصور کنید که با کسی کار می‌کنید که می‌شناسید و این نظر را در مورد شما دارد.

چه احساسی خواهید داشت؟ از آن به بعد، اکنون که او کسانی را که نامه را ارسال می‌کنند معرفی کرده است، با تمام این سخنان تحسین‌آمیز، اکنون می‌تواند به چند نفر سلام برساند. همبندان من، آریستارخوس همزندان من، به شما سلام می‌رساند، همانطور که مرقس، پسر عموی برنابا، سلام می‌رساند. شما در مورد او دستورهایی دریافت کرده‌اید.

اگر او نزد شما آمد، از او استقبال کنید. سپس ادامه می‌دهد و می‌گوید، ای عیسی، این عیسی را با آن عیسی دیگری که تاکنون در نامه دیده‌اید، اشتباه نگیرید. و پولس نمی‌خواهد که شما او را نیز اشتباه بگیرید.

او گفت، پس می‌خواهی بدانی، این عیسی همچنین یوستوس، نام لاتین او، نامیده می‌شود. او همچنین سلام می‌رساند. اینها تنها یهودیان در میان همکاران من برای پادشاهی خدا هستند.

و آنها ممکن است برای من مایه تسلی خاطر باشند. اجازه دهید قبل از اینکه سریع به ادامه مطلب پردازیم، چند نکته را در این متن برجسته کنم. همانطور که می‌بینید، در آنجا به مرقس اشاره شده است.

قبل از اینکه پولس از مرقس نام ببرد، می‌خواهد بر خاص بودن آریستارخوس تأکید کند. او در زندان بود. او نیز با مرقس در زندان است.

اما او نمی‌خواهد شما فکر کنید که شاید مرقس هم در زندان است. بنابراین، مرقس را از آریستارخوس جدا می‌کند تا نشان دهد که شما واقعاً دربارہ او شنیده‌اید و مرقس که مردی آزاد است، قرار است به نزد شما بیاید. بنابراین، وقتی او می‌آید، از او استقبال کنید.

شما می‌بینید که او چطور در اینجا با سلام و احوالپرسی پیش می‌رود. اما شما همچنین می‌خواهید به چیزی بسیار جالب توجه کنید، یا به نظر من جالب است. این عیسی، که به عنوان عیسی مسیح ما شناخته می‌شود، اما آن مرد جاستوس، آنها او را جاستوس می‌نامند، یک نام لاتین، در جایی که آنها یونانی زبان بودند.

و پولس می‌گوید، در واقع، اینها تنها یهودیانی هستند که با من هستند. به عبارت دیگر، آن مرد یک یهودی است. می‌توانید تصور کنید که در قرن اول میلادی، کسی به یک یهودی می‌گفت، هی، یوستوس؟ منظورم این است که اگر فرهنگ لاتین را بفهمید، این کلمه متفاوت به نظر می‌رسد.

اما به نوعی، شاید در درون خودشان، نمی‌خواهند او را با عیسی مسیح اشتباه بگیرند. بنابراین شاید بگویند، بیایید یک معادل لاتین یا چیزی شبیه به آن به شما بدهیم. من فقط این را از خودم درمی‌آورم.

شاید من اینطور فکر می‌کنم. شاید هم نه. اما به هر حال پولس از او نام می‌برد.

به میزان نام بردن پولس از کسانی که به او نزدیک بودند توجه کنید. و شما این نام را به خوبی می‌شناسید، اپافراس. او در ابتدا از او نام برد، و من قبلاً در سخنرانی‌های اولیه در مورد او صحبت کردم.

اپافراس، که یکی از شماست. او اشاره کرده بود که اونیسوس یکی از شماست. حالا می‌گوید، اپافراس، که او هم یکی از شماست.

او همچنین خادم مسیح عیسی است، همان صفتی که وقتی دربارہ تیخیکوس صحبت می‌کرد، به کار برد. او سلام و درود می‌گوید. او همیشه در چه چیزی درگیر است؟ در دعا برای شما.

آیا این موضوع برای پولس آشنا به نظر می‌رسد؟ چند وقت یکبار به آن فکر می‌کنید؟ دعا برای پولس چقدر مهم است؟ پولس می‌خواهد شما بدانید که اپافراس فقط یک رهبر بزرگ که کلیسا را آغاز کرد، نیست. پولس می‌گوید من او را کسی می‌دانم که برای شما دعا می‌کند. به دلایل خاص.

تا در اراده خدا استوار باشید. تا بالغ و کاملاً مطمئن باشید. من به او اطمینان می‌دهم که برای شما و برای کسانی که در لائودیکیه و هیراپولیس هستند، سخت تلاش می‌کند.

در مقدمه، به شما گفتم که کولسیه یکی از سه شهر به همراه لائودیکیه و هیراپولیس است. و پولس در واقع این را به خاطرات ما در اینجا می‌آورد. اینها شهرهایی در نزدیکی هم هستند.

یکی از آنها ۱۲ مایل دورتر است، و پولس می‌داند اینجا چه خبر است. و می‌گوید، می‌دانید، اپافراس اینجا کار فوق‌العاده‌ای انجام می‌دهد. و می‌گوید، می‌دانید، اپافراس اینجا کار فوق‌العاده‌ای انجام می‌دهد.

و بعد از دوست عزیزمان اسم برد. یکی از آن شخصیت‌هایی که در کتاب مقدس از او خوشم می‌آید، لوقا است: لوقای پزشک.

شاید بخواهید این را بدانید. ما در مورد پزشک بودن لوک صحبت می‌کنیم و آن را بدیهی می‌دانیم. شما این اطلاعات را از کجا می‌آوردید؟ شما فقط می‌خواهید بدانید که اینجا جایی است که پولس به ما می‌گوید چه کسی و چه شغلی دارد.

دکتر. و او از دیماس نام برد. دیماس سلام می‌رساند.

دیماس شخصیت جالبی است. چون دیماس، در دوم تیموتائوس به ما گفته می‌شود که او پولس را ترک کرده، است چون دنیا را دوست داشته است. اما، می‌دانید، حتی اگر او در این مرحله رفتاری از خود نشان دهد، پولس چیز نگران‌کننده‌ای نمی‌بیند.

بنابراین، او همچنین می‌خواهد از برخی از بزرگان اطرافش نام ببرد. و از دیماس می‌پرسد که من چه چیزهایی باید در مورد او بدانم. سلام مرا به برادران و خواهرانم در لائودیکیه برسان.

و نیمفا و کلیسای که در خانه‌اش است. و سپس شما به آن درخواست ادامه می‌دهید. پس از اینکه این نامه برای شما خوانده شد، می‌خواهم آن را به کلیسای لائودیکیه بفرستید.

می‌خواهم دیگر ایمانداران آن را بخوانند. می‌خواهم شما هم آن را با دیگر برادران و خواهران به اشتراک بگذارید. آفرین.

ما هیچ جا نمی‌بینیم که پولس این کار را انجام دهد. اما در اینجا او در آیه ۱۶ سریع می‌گوید: پس از اینکه این نامه برای شما خوانده شد، مطمئن شوید که در کلیسای لائودیسیه نیز خوانده می‌شود و شما نیز به نوبه خود، نامه از لائودیسیه را بخوانید.

بعضی از محققان گفته‌اند، اوه، نامه به لائودیکیه کجاست؟ و از این جور چیزها. و ما زمان زیادی را صرف آن می‌کنیم. خب، قطعاً، رساله کولسیان آن نامه نیست.

و بنابراین، ما نمی‌دانیم آن نامه کجاست. محققان در حال گمانه‌زنی در مورد آن هستند. و در این مرحله، تنها چیزی که می‌توانم به شما بگویم این است که این موضوع گمانه‌زنی بسیار خوبی برای ماست.

گاهی اوقات، محققان از صحبت کردن در مورد چیزهایی لذت می‌برند که برای مردم عادی هیچ اهمیتی ندارد. پس، بیایید این را به خودشان واگذار کنیم. یا بهتر است بگویم، شما آن را به ما بسپارید.

در آیه ۱۷، او می‌گوید، به آرخیپوس بگویید، این نصیحت را به او برسانید. این کلام را از طرف من به او برسانید. آرخیپوس، مواظب باش که خدمتی را که در خداوند یافته‌ای، به کمال برسانی.

ساده است. و سپس آیه ۱۸ رساله به کولسیان را به پایان می‌رساند. آیه ۱۸ در واقع همان آیه‌ای است که قبلاً به شما اشاره کردم و می‌توانید به آن نگاه کنید و بگویید. این آیه می‌گوید که شاید پولس از دوستی خواسته بود که برایش نامه بنویسد و او آن را به پایان برساند، یا اینکه خودش نامه را نوشته و در پایان آن را امضا کرده است.

اما واضح است که آیه ۱۸ وقتی به این فکر می‌کنیم که چه کسی کولسیان را نوشته، اهمیت پیدا می‌کند. اگر پولس کولسیان را نوشته باشد، پس هر کسی که این چیزها را در آنجا آورده، اگر پولس اصلاً در کولسیان دستی نداشته باشد، پس هر کسی که این کلمات را در آنجا نوشته، سعی دارد دروغگوی بزرگی باشد. اما مشکل اینجاست.

افرادی در کلیسا هستند که پولس را می‌شناختند. در هر تاریخی که کولسیان و نوشته‌های کولسیان را قرار دهید، افرادی در کلیسا هستند که پولس را می‌شناختند. افرادی مانند اپافراس وجود دارند، و شاید باید روشن کنم که وقتی سعی داشتم بر دعا و کشتی یوستوس تأکید کنم، به جای آن از اپافراس نام می‌بردم.

منظورم یوستوس بود. وقتی این همه آدم، مثل اپافراس و اودیسه، اینجا هستند، و آدم‌هایی مثل فیلیمون که ما می‌شناسیم، اینجا هستند، آیا فکر می‌کنیم در عرض ۱۰ تا ۱۵ سال، کسی نامه‌ای را جعل کرده و این آیه را، زیر آن گذاشته و در کلیسا گذاشته و گفته که ما دقیقاً می‌دانیم پولس کیست، می‌دانیم او نماینده چیست و این عنصر ساختگی را که کسی مطرح می‌کند باور خواهیم کرد؟ فکر می‌کنم باور کردنش سخت است.

به همین دلیل، فکر می‌کنم واقعاً باید به جایی برسیم که بگوییم پولس کولسیان را نوشت، همانطور که تعداد فزاینده‌ای از محققان این روزها شروع به پذیرش این موضوع کرده‌اند. و من شخصاً معتقدم که پولس کولسیان را نوشت. او کولسیان را نوشت تا به نفوذ یا ظهور یا توسعه آموزه‌های نادرست در کلیسا پردازد.

او توجه کلیسا را به لزوم تمرکز همه چیز بر مسیح جلب کرد. و همانطور که آنها را به آن زندگی و تعهد به مسیح فرا می‌خواند، آنچه را که در مورد آموزه‌های نادرست در کلیسا می‌داند، برجسته می‌کند. او در ادامه آنها را در مورد زندگی مسیحی و رفتار مسیحی به چالش می‌کشد.

همانطور که او آنها را تا انتها تشویق می‌کرد، آن را به نحوه زندگی آنها در خانه‌شان گره زد تا همانطور که در اتحاد، با یک هدف، با یک طرز فکر در مسیح با هم کار می‌کنند، این امر در زندگی در خانه‌های خودشان نیز منعکس شود. به هر حال، کلیسا در خانه‌های مردم تشکیل جلسه می‌داد. از آنجا، پولس در فصلی که به آن پرداختیم، نتیجه‌گیری خواهد کرد.

او با دعوت از کلیسا برای دعا، دعا مداوم، دعا برای او و تبدیل دعا به بخشی از زندگی روزمره خود، سخنانش را به پایان می‌رساند. و با این حال، او همچنین آنها را به رعایت برخی نکات کلیدی در زندگی خود خردمند بودن، جدی گرفتن زمان، دقت در نحوه صحبت کردنشان، به چالش می‌کشد تا بتوانند نمونه‌های خوبی برای افراد خارجی باشند. سپس، او تمایل دارد به افراد خاصی سلام کند و نام آنها را ذکر کند، چه کسانی که نامه را تحویل می‌دهند و چه کسانی که با او خدمت کرده‌اند.

یکی از نکات جالبی که در پایان بحث در مورد کولسیان در مورد پولس متوجه شدم این است که او چقدر مکث می‌کند، وقت می‌گذارد و در مورد دوستان و اطرافیانش یکی یکی فکر می‌کند و آنچه را که در مورد آنها می‌داند می‌نویسد تا دیگران نیز بدانند. شما همچنین می‌خواهید بدانید که این درست است. پولس به سرعت به برخی از افرادی که آنقدر بد هستند که حتی نمی‌خواهد کسی با آنها معاشرت کند، می‌گوید.

او کسی است که می‌گوید، من کسی را دار می‌زنم، من کسی را به شیطان دار می‌زنم. از این حرف‌های تند. اما پولس کسی است که می‌گوید، من افراد مناسب را می‌شناسم، و آنها را همانطور که هستند می‌شناسم.

و به شما پیشنهاد می‌کنم که مهم است برخی از این فضایل مسیحی را بیاموزیم، ویژگی‌های اطرافیانتان را مشاهده کنیم، قلبی سپاسگزار در خود پرورش دهیم و زندگی مسیحی‌ای بسازیم که ریشه و اساس آن در مسیح، تنها در مسیح، مسیحی که همه در همه است، باشد. امیدوارم سفر شما با ما در کولسیان تا اینجا اگر نه یک تجربه رو به رشد، یک تجربه یادگیری بوده باشد. لطفاً با ما بمانید و در این مجموعه مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان، به یادگیری با ما ادامه دهید.

همچنان که این سخنرانی را ادامه می‌دهیم، شما شروع به یادگیری بیشتر در مورد پولس، زندگی خودتان و چگونگی تبدیل شدن به فردی بهتر در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، خواهید کرد. از شما بابت مطالعه با ما بسیار سپاسگزاریم و خداوند شما را به خاطر وقتی که گذاشتید، برکت دهد.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۷، اختتامیه کولسیان ۴ است.